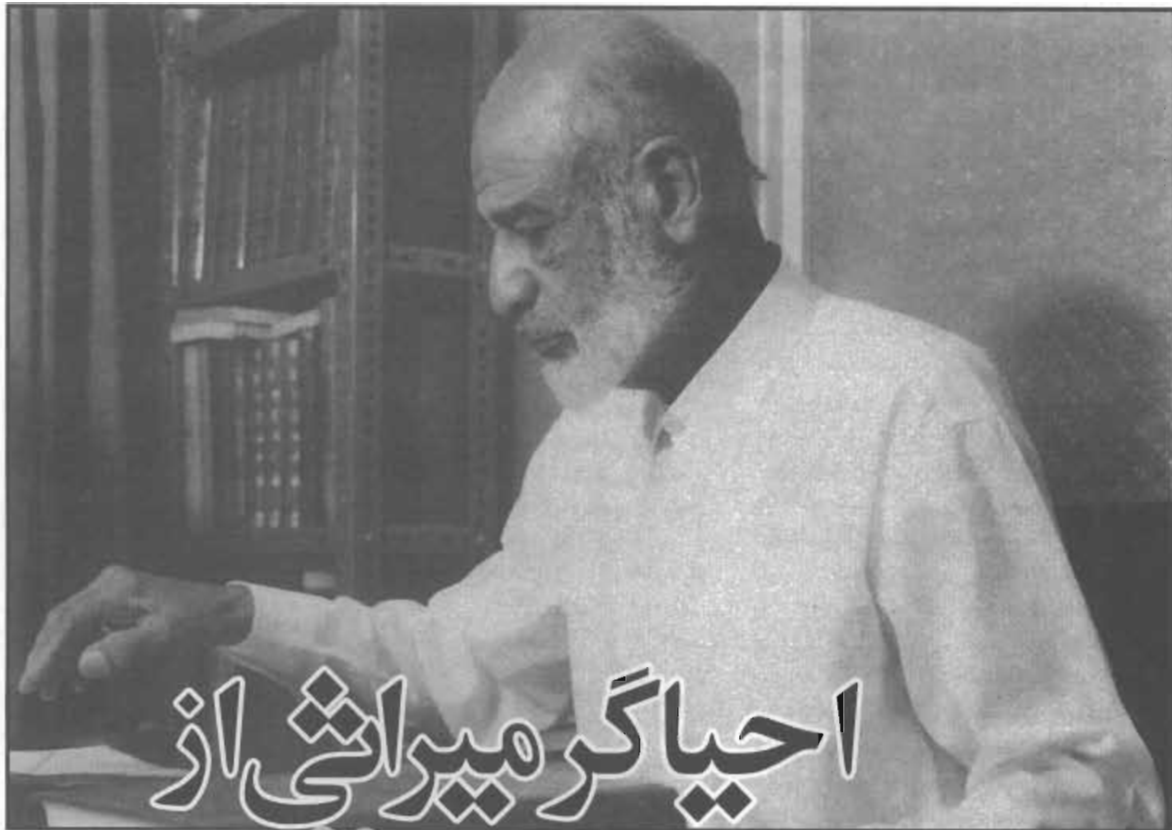




تشیع

● دوازدهم رمضان بود. پیرمرد رفته بود بیرون. اطراف فاز ۶ شهرک قدس، نزدیک یادگار امام که ساعتی بعد خبر آوردند رفت. خودرونی او را به شدت مصدوم و از کنار جسم ناتوانش بی توجه فرار کرده بود. او رفت، اما معدن متون اسلامی را در بیش از ۲۰۰ اثر از خود برای آیندگان به ارث گذاشت. پیکر او روی دست‌های دانشجویانش رفت تا طبق وصیت‌اش در ابن بابویه در کنار مزار مرادش شیخ صدوق (محدث بزرگ شیعه) آرام بگیرد.

ابوالحسن شعرانی و مرحوم استاد جلال الدین محدث از موی ادامه داد و از محضر ایشان در حوزه‌های طبع و تحقیق و مقدمه نویسی و تعلیق کتب روایی و حدیثی بهره برد. استاد غفاری در ارتباط با موضوعات کتب دینی و حدیثی با مرحوم علامه طباطبایی و علامه امینی (رحمت الله علیهما) نیز در ارتباط بود و همکاری نزدیکی داشت.

بی شک استاد میرزا علی اکبر غفاری در نیم قرن گذشته از جمله استادان رجال شناس و حدیث شناس است که نام او در زمره احیاگران میراث تشیع خواهد ماند. دانشمندی که با سختکوشی و تلاش فراوان، وظیفه دشواری که از روحانیت اصیل شیعه انتظار می‌رود را بر دوش کشید. مردی که مرحوم آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین عاملی پس از مطالعه و ملاحظه برخی از آثار استاد، در مکتوبی، ایشان را "آیت الله" خطاب می‌کنند و ایشان را در سلک روحانیت می‌انگارند.

● بی شک استاد میرزا علی اکبر غفاری در نیم قرن گذشته از جمله استادان رجال شناس و حدیث شناس است که نام او در زمره احیاگران میراث تشیع خواهد ماند. دانشمندی که با سختکوشی و تلاش فراوان، وظیفه دشواری که از روحانیت اصیل شیعه انتظار می‌رود را بر دوش کشید. مردی که مرحوم آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین عاملی پس از مطالعه و ملاحظه برخی از آثار استاد، در مکتوبی، ایشان را "آیت الله" خطاب می‌کنند و ایشان را در سلک روحانیت می‌انگارند.

مطرحی بود، شرکت می‌کرد. همچنین یک دوره کامل مباحث تفسیری را در محضر استاد مرحوم آیت الله سید کاظم گلپایگانی تحصیل کرد. وی پس از آن تحقیقات و تحصیلات خود را در محضر استادان بزرگی که جزو دانشمندان برجسته آن دوران محسوب می‌شدند از جمله مرحوم آیت الله میرزا

علی اکبر غفاری استاد علوم حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در تهران و در خانواده‌ای کاملاً مذهبی که از نظر مالی درآمد متوسطی داشت، به دنیا آمد و علی رغم مشکلات و محدودیت‌های آن روزگار که بر خانواده وی حاکم بود، با تلاش و توجه و ایثار مادرش مشغول به تحصیلات ابتدایی شد. پس از آن با توجه به علاقه بسیاری که به قرآن پیدا کرده بود و به واسطه زندگی با قاریان معروف تهران به آموختن علم قرائت و تجوید و مسائل مربوط به آن پرداخت و سپس زیر نظر مدرسان مدرسه خان مروی تحصیلات حوزوی را در فقه و اصول تا پایان شرح لعمه ادامه داد. در این مدت در جلسات تدریس تفسیر مرحوم حاج میرزا خلیل کمراهی شرکت می‌کرد. پس از اتمام دروس سطح حوزه برای ادامه تحصیلات به قم رفت و در جلسات مرحوم آیت الله اشراقی که در مباحث ادبیات عرب استاد

است که به بد فهمیده شدن مربوط می شود و مستقیماً ناظر به وضع یا تحریف نیست.

● دکتر پهلوان

او با تأسیس مکتبه الصدوق در ۵۰ سال پیش از این و اشتغال شبانه روزی، از پیشگامان تصحیح انتقادی و نشر آثار اسلامی در دوره معاصر است.

● دکتر ایزدی

به حق می توان استاد علی اکبر غفاری را از احیاگران بزرگ میراث حدیثی شیعه در قرن حاضر دانست. یک روز فرمودند: من از زمانی که به سن تکلیف رسیدم به یاد ندارم که وقت خود را تلف کرده باشم.

● استاد ولی

ایشان معتقد بودند نسخه های یک کتاب برای تصحیح باید نسخه های مجاز باشد؛ یعنی نسخه هایی باشد که بر شیخ قرائت شده باشد؛ شاگرد به استاد قرائت کرده باشد و استاد اجازه داده باشد.

مدیر مسئول مجتمع مسکونی محل زندگی استاد با تمام سادگی در بین همه رفت و آمد می کرد. بارها دیدم که خریده های خانه را انجام داده و همراه خودش می آورد. امروز آنهایی که کوچکترین پست های دولتی را دارند اینگونه نیستند. روابط حسنه ای داشت و حرمت همه را نگه می داشت.

● همسر استاد

چه بگویم؟ صاف و پاک بود. هیچ کس از او بدی یا دلگیری به یاد ندارد. او همه چیزش قرآن و اهل بیت بود. همه زندگی ما قرآن بود.

● **محصول ۸۰ سال از عمر استاد، تألیف تصحیح و تفسیر بیش از ۲۰۰ جلد کتاب است که بیشتر آنها را در حوزه فرهنگ و متون اسلامی باید جست. آثاری که بی شک معرفی آنها در این حجم مختصر نمی گنجد و حتی زبان قلم از تلاشی که استاد در احیاء و اصلاح تمام آن متون انجام داده است، قاصر است**

مکروهات را هم مراعات می کرد، من با ایشان در ارتباط بودم و در این ارتباط ایشان را فردی مقید، منظم، مؤدب، گرم و بابر خوردهایی بسیار عالی یافتیم. برخوردهای ایشان با شاگردان، استادان و اهل دانشگاه بسیار سازنده بود و از نظر علمی هم بسیار فعال و عمیق بود. ایشان از ارادتمندان عمیق و کامل اهل بیت بود که حقیقتاً باید او را بزرگ شمرد. چرا که به تمام معنا فردی شایسته و فرهیخته بود و درگذشت ایشان ضایعه ای بزرگ برای جامعه اسلامی ما است.

● حجت الاسلام مصباحی مقدم

این مرد بزرگ با کاری که انجام داد، علمای شیعه را وام دار خویش کرد. مصداق بارز "تواضعوا لمن تعلمونه العلم" بود و در مقابل دانشجویانش متواضعانه برخورد می کرد.

● دکتر باکتچی

ملکه ای در ایشان وجود داشت که به محض مواجهه با حدیث تشخیص می دادند که از کجاها ممکن است به این حدیث آسیب وارد شده باشد. برای ایشان بد فهمیده شدن حدیث یا بد خواندن شدن یا غلط نوشتن فاصله بسیار کمی از هم داشت و کاملاً درهم تنیده بود. بسیاری از حواشی ایشان، حواشی

استاد غفاری در دو دهه گذشته در کنار تحقیقات و مطالعات فراوانی که داشت به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز می پرداخت و شاگردان فراوانی را در حوزه و دانشگاه تربیت کرد.

کرسی درس استاد در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و مدرسه عالی شهید مطهری از جمله جلسات مشهور و کلاس هایی بود که طعم شیرین آن زیر زبان شاگردان مانده و ذکر آن این روزها فراوان نقل مجالس است. محصول ۸۰ سال از عمر استاد، تألیف تصحیح و تفسیر بیش از ۲۰۰ جلد کتاب است که بیشتر آنها را در حوزه فرهنگ و متون اسلامی باید جست. آثاری که بی شک معرفی آنها در این حجم مختصر نمی گنجد و حتی زبان قلم از تلاشی که استاد در احیاء و اصلاح تمام آن متون انجام داده است، قاصر است. از جمله آثار وی می توان به تصحیح یا ترجمه یا تعلیق کتاب های تحف العقول، اصول کافی (۲ جلد)، فروع کافی (۵ جلد)، روضه کافی، تفسیر رازی (۱۳ جلد)، شرح کافی (۱۲ جلد)، منهج الصادقین (۱۰ جلد)، جامع المدارک، مختصر النافع، من لا یحضره الفقیه (۴ جلد) غیبت نعمانی، اعلام الوری طبرسی، مجلدات بحار الانوار، اختصاص شیخ مفید، قصص قرآن و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، معادن الحکمه (۲ جلد)، مهدی آخر الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرج (۲ جلد)، بررسی تاریخ عاشورا، البدایع و دهها جلد کتاب دیگر اشاره کرد. اگر چه او لباس روحانیت نمی پوشید اما حقیقتاً آیت الهی بود که میراث شیعه را در عصر جدید احیا کرد.

استاد از نگاه دیگران

● آیت الله مصطفوی

حالا وقتی خاطراتم را با او مرور می کنم، غصه دار می شوم. این مرد چقدر عزیز بود. چقدر پاک بود. چقدر عمیق بود. تقلین را یافته بود. خودش را با این دژ مستحکم گره زده بود. من خیلی با او حسرت و نشتر داشتم. از عمق تحقیق و تدبیرش در آیات و احادیث لذت می بردم.

● آیت الله امامی کاشانی

او مردی مخلص و متواضع و متعهد به موازین شرعی بود که حتی مستحبات و



آنها فشار بیاور. در حالی که که راوی نتوانسه لفظ را برساند. من هنگامی که نسخه خراب شده خصال را تصحیح می کردم این طور بود، در حالی که تحف العقول را که تصحیح می کردم چنین بود که: "ثلاثة وان لم تظلمهم ظلموك" یعنی یک واوا اضافه داشت. معنا این می شود که گرچه تو در حق آنها ظلم نمی کنی، آنها تجاوز می کنند، همسرت، خدمت و کسانی که برای تو کار می کنند. یعنی از اینها توقع بیشتر نداشته باش، با آنها مدارا کن و این تبدیل می شود به یک وعظ و دستور اخلاقی که به انسان می دهد. حال آنکه اگر واو را برداریم یک حکم می شود، یعنی مواظب خودت باش و به آنها فشار بیاور. من هم به قرینه اینکه در من لا يحضر حديثي دیده بودم به این معنا که اگر تو با این سه طایفه انصاف بورزی آنها با تو انصاف نخواهند ورزید، دریافتیم که می خواسته همین را بگوید. مترجم حدیث باید به تمام کتب تسلط داشته باشد و آنها را ببیند. مسأله دیگر رعایت مقام خود راوی است که دخالت در ترجمه دارد.

فرض کنید کسی از اهل حجاز در مورد غسل از امام سوال کرده است که باران آمده و مقداری آب جمع شده می توان با آن غسل کرد؟ امام می پرسند: آب تا کجای پایت می رسد؟ جواب می دهد که تا فوزک پا و یا چقدر در چقدر حجم آب است. امام می فرماید که اشکال ندارد، با آن آب می توانید غسل کنید. یا در روایتی دیگر آمده است که چقدر وزن آن باشد. روایان این روایات را باید در نظر گرفت و توجه کرد که یکی از اهل حجاز است و در آب آنجا بسیار کم است و امام به کمترین حد امکان سوال کننده حکم کرده است، اما در جاهایی که آب فراوان است و شخص کاملاً می تواند از آب به سادگی استفاده کند، آنجا حد کامل را گفته اند و تعارضی بین دو خبر نیست.

نکته دیگر اینکه غالب احادیث نقل شده منشأی در قرآن دارد، لذا توجه به آیات در ترجمه احادیث خیلی مهم است و باید کوشش شود که حتی المقدور آیات قرآنی آنها پیدا شود و مترجم کاملاً با قرآن آشنا باشد در غیر این صورت اعوجاجی در ترجمه پدید خواهد آمد.

● به نظر جناب عالی در زمینه حدیث و خبر چه آثاری مناسب است که با تنقیح و تصحیح مجدد، طبع و نشر شود؟ چه بسا آثار ارزشمندی که به همین جهت از نظرها دور است و اگر کسانی به این مهم بپردازند منشأ خدمات ارزشمندی خواهد شد؟

استاد غفاری: عرض کنم که دو حالت ممکن است وجود داشته باشد، یک وقت



● نکته دیگر اینکه غالب احادیث نقل شده منشأی در قرآن دارد، لذا توجه به آیات در ترجمه احادیث خیلی مهم است و باید کوشش شود که حتی المقدور آیات قرآنی آنها پیدا شود و مترجم کاملاً با قرآن آشنا باشد در غیر این صورت اعوجاجی در ترجمه پدید خواهد آمد

لفظ فارسی بگوییم. در مواردی که مورد شبهه است و مراد می تواند متفاوت باشد، لازم است در برگرداندن آن الفاظ کاملاً دقیق باشیم، یعنی تنها این نباشد که ما از آن، چه می فهمیم. اگر دیگری هم از آن چیزی می فهمد آن هم باشد. برای این منظور چون کار بسیار دشوار بوده اول ثواب الاعمال را ترجمه و چاپ کردم. بعد دیدم در بعضی از ترجمه ها ممکن است آنچه من به آن پرداخته ام مراد نباشد و معنای دیگر مراد باشد، لذا در چاپ دوم متن عربی را هم آوردم که اگر از متن عربی کسی مطلب دیگری می فهمد آزاد باشد.

کسی که تاریخ نهر و را ترجمه کرده آورده است که حجاب در اسلام نیست. در حالی که مؤلفش می خواسته است بگوید چادر در اسلام نیست. در قرآن هم چنین آیاتی داریم که به آسانی معلوم نمی شود مراد این معنا است یا چیز دیگری است. پاره ای اوقات فراموش می شود که مطلبی تقریر است، نقل قول است یا بیان حکم است؟

گاهی هم پیش می آید در اثر یک تصحیف خیلی کوچک و پس و پیش شدن یک واو، و یا از قلم افتادن یک واو معنا خیلی بر هم می خورد، که از روی قرائن باید پیدا کرد. مثلاً در خصال صدوق حدیثی هست که سه گروه هستند که "ان لم تظلمهم ظلموك" اگر به آنها ظلم نکنی، آنها در حق تو ظلم می کنند: همسرت، خدمت، و کسانی که در خدمت تو هستند. مفهوم ظاهری روایت این است که به

● دختر استاد

"در اخلاق فردی بسیار متقی و پرهیزکار بود و در اخلاق اجتماعی و در تمام مسائلی که به مردم بر می گشت، بسیار منضبط و متعهد بودند.

● پسر استاد

اصلاً به مسائل اسلامی ساده نگاه نمی کرد. تعمق و تحقیق در قرآن را به همه ما تأکید می کرد.

● برادر استاد

فکرش را از قرآن و حدیث می گرفت و همه مسایل و فکرش را با این معیارها تطابق می داد.

گزیده ای از مصاحبه ها *

● خدمات بسیار جناب عالی به فرهنگ اسلامی کاملاً روشن است، لطفاً در زمینه چگونگی روش کارتان توضیح بفرمایید. استاد غفاری: اول مقابله و تصحیح متن از روی نسخ مجاز و درج حواشی و تعلیقات لازمه و بعد کارهای امروزی مثل مقدمه و مؤخره و فهرست کردن اعلام و عدد احادیث را معین کردن و شماره گذاشتن و از این قبیل، مثلاً اعراب گذاری احادیث و ترجمه بعضی از کتب.

● شیوه تجربه جناب عالی در احادیث چگونه است؟ به صورت لفظ به لفظ ترجمه می فرمایید یا نقل به معنا می کنید. استاد غفاری: به نظر من اول باید کوشش کنیم که معنای حدیث را درست بفهمیم و معنای واقعی آن را درک کنیم، بعد آن را به

می کنیم که از اطراف و اکناف، نسخه های مختلفی پیدا کنیم تا یقین حاصل شود که از نسخه واحد استنساخ نشده باشد. نسخه ای از هند، نسخه ای از اروپا، نسخه ای که نویسنده آن اهل عراق باشد، یا نویسنده از بخارا یا جای دیگر باشد، این نسخه ها را جمع می کنیم و یکی را متن قرار می دهیم و سپس بقیه را با آنها مقایسه می کنیم. اگر این متون در جایی دیگر نقل شده باشد، مثلاً حدیثی در تهذیب آمده باشد جست و جو می کنیم تا آن را در کافی که متعلق به زمان پیش از آن است پیدا



کنیم. یا اگر شخص دیگری - مثلاً علامه حلی - در کتاب خود به حدیثی از کافی یا تهذیب تمسک بسته باشد، مرجع را نشان می دهیم. اگر نسخه مجاز داشته باشیم، یعنی داشته باشد، می فهمیم که این نسخه در اختیار مشایخ بوده و صحیح است، در صورت وجود نسخه مجاز به غیر مجاز اعتنا نمی کنیم. روش من از اول این بوده است که هر حدیثی در هر نسخه که اصح نسخ است، آن را در متن می آورم - حالا به هر نسخه ای که می خواهد تعلق داشته باشد - بقیه را هم می گویم؛ فی بعض النسخ، نمی گویم نسخه فلان، نسخه فلان. همچنین برای اینکه پانویس های صفحات طولانی نشود غالباً به اقل لفظ اکتفا می کنم. روش من با روش استاد مرحوم محدث ارموی - رحمت الله علیه - که مطالب را به صورت خلاصه می نوشتند یکی است و از او پیروی می کنم. همچنین غیر از نوشتن فهرست های مختلف و اسامی بلاد و امکنه و اعلام، مقدمه ای هم در شرح حال مؤلف به زبان عربی اگر کتاب عربی است - می نویسم.

* این مصاحبه، بخشی از گفت و گوی نشریه کیهان فرهنگی با استاد است.

● همیشه در پی این نیستم که نسخه ای را که تا به حال چاپ نشده پیدا کنم و آن را به چاپ برسانم، البته مخالف این کار هم نیستم و تا به حال کتاب های بسیاری مانند محجة البیضاء، اختصاص شیخ مفید، بلد الامین آثار چاپ نشده دیگری را منتشر کردم، اما صد در صد اولویت به آن نمی دهم. اولویت به این می دهم که این میراث اهل بیت که الان موجود است و به صورتی منتشر شده آبرومندانه ای طبع و نشر شود که دنیا به آنها اقبال نشان دهد

این کار نیاز به سخت کوشی و زحمت دارد. از طرفی باید سرمایه های مادی را هم به این موضوع اختصاص داد و تنها در برگزاری مراسم مختلف صرف نشود. دستگاه های دولتی هم تا حدی که قدرت مالی دارند - هر چند محدود باشد - باید به این مهم بپردازند. باید عده ای باشند که در کتابخانه های دنیا بگردند و نسخه های مورد لزوم را برای این کار عکسبرداری کنند و بفرستند. ● نظر جناب عالی در مورد تصحیح جمعی چیست؟ حتماً اطلاع دارید که مؤسسه ای مشغول تصحیح و تنقیح آثار بسیاری در زمینه فقه و اصول و حدیث است و به زودی تعدادی از آنها منتشر و توزیع خواهد شد. نظراتان در مورد تصحیح فردی به شیوه سنتی و تصحیح جمعی به صورتی که در این مؤسسه انجام می شود چیست؟

استاد غفاری: اگر جمعیتی که به این کار مشغول است اهلیت داشته باشد حتماً کار خوبی خواهد شد، و تا آنجا که ما نتیجه این قبل کارها را مشاهده کرده ایم وقتی یک نفر با دیگری کار کرده، ثمره بهتری داشته است. مثلاً معانی الاخبار را یک نفر درست کرده و یک پاورقی و یک مقدمه هم آقای ربانی شیرازی بر آن نوشته اند. یا مثلاً وقتی دیدم در اصول کافی مطالب بسیار مشکل علمی وجود دارد، از مرحوم آقای طباطبایی خواهش کردم که توضیحاتی بر آن بنویسند و ایشان هم قبول کردند و مطالب ایشان امضا هم دارد. یا بعضی از کتاب های دیگر را که مقدمه آن را یکی نوشته و تصحیح آن را کس دیگری نوشته و به صورت زیر نویس آورده شده. مواردی به این شکل هم بوده خوب، این یک نوع کار جمعی به حساب می آید.

● لطفاً چگونگی انتخاب نسخه و روش تصحیح آن را هم بفرمایید.

استاد غفاری: نسخه مجاز را متن قرار می دهیم و با دیگر نسخ مقایسه می کنیم، البته این در شرایطی است که نسخه مجاز وجود داشته باشد. اما اگر نسخه مجاز نبود سعی

صحبت از کتاب هایی است که تا به حال چاپ نشده است و نسخه های آن کتاب ها زمین مانده و کسی به آنها نپرداخته که البته این آثار حتماً باید احیا بشود. یک وقت صحبت از آثاری است که منتشر شده ولی به صورتی نبوده که مناسب شرایط امروز باشد. در مورد کتبی که هنوز اصلاً به طبع نرسیده باید بگویم که کاری بسیار مشکل است و خیلی آرام پیش می رود؛ برای اینکه باید نسخه هایی در دنیا پیدا کنند و با دقت مقایسه و تصحیح و نشر بشود. اما در مورد قسمت دوم یعنی چاپ شده ای که در دست داریم و به صورت صحیح نشر نشده، بنده در این قسمت بیشتر کار می کنم، یعنی همیشه در پی این نیستم که نسخه ای را که تا به حال چاپ نشده پیدا کنم و آن را به چاپ برسانم، البته مخالف این کار هم نیستم و تا به حال کتاب های بسیاری مانند محجة البیضاء، اختصاص شیخ مفید، بلد الامین آثار چاپ نشده دیگری را منتشر کردم، اما صد در صد اولویت به آن نمی دهم. اولویت به این می دهم که این میراث اهل بیت که الان موجود است و به صورتی منتشر شده آبرومندانه ای طبع و نشر شود که دنیا به آنها اقبال نشان دهد. و همان طور که فرق و مکتهای دیگر در این زمینه از ما پیش افتادند و کتاب هایشان را به همه جای متمدن دنیا فرستادند، ما هم می توانیم در این کار به موفقیت دست پیدا کنیم. تمام کتاب های ما نیز باید با طبع و نشر خوب و مناسب به همه جای دنیا فرستاده شود تا حرف های ما را بشنوند و بفهمند. در این زمینه آثار بسیاری در دست داریم مانند عیون اخبار الرضا که متأسفانه به گونه ای مطلوب و مناسب، تاکنون طبع و نشر نیافته بود. فرض کنید علل الشرایع و امالی صدوق را به هیچ وجه خوب نشر نکرده اند و همان طور اشتباهات همراه کتاب هست، حتی کتاب هایی را که خود بنده نشر کرده ام هنوز صد در صد رویشان کار نشده و تنها به اندازه استطاعت من به آنها پرداخته شده است. باید بگویم که ما سرمایه های زیادی را از دست داده ایم. و الان باید در این جهت کوشش شود و در این زمینه سرمایه گذاری صورت بگیرد. آقایان مسئولین اوقاف می گفتند اغلب موقوفه ها در مورد روضه خوانی توصیه شده و هر جا مطلق خیرات قید شده است ما در این راه مصرف می کنیم.

آقایان علما و محققین باید در جهت معنوی این قضیه، به منظور احیای این میراث عظیم همت کنند و گردفراموشی از چهره این آثار ارزشمند بگیرند و توجه داشته باشند که

نامه وارده

تذکری به دوستان و همراهان دانشجو و دانش آموختگان دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

کراراً برای من و شما اتفاق افتاده که یکی از هم‌اتاقی‌ها یا هم‌کلاسی‌ها، پایان‌نامه‌اش را جهت استفاده عموم چاپ کرده و یا به ناشر و مؤسسه خاصی جهت نشر سپرده است. علاوه بر شناسنامه و مقدمه و توضیحاتی که ناشر یا چاپخانه یا مؤسسه مورد نظر همراه با آرم و علائم خودش روی کتاب و در ابتدای آن درج می‌نماید - که گویی این کار تحقیقی و پژوهشی از بای بسم‌الله تا تایم‌ت در آن مؤسسه پژوهشی! انجام شده است - و خواننده و مخاطب را کاملاً گمراه می‌کند... حتی خود دوست ما که تمام این معلومات و تحقیقات را سر سفره تنعم معنوی امام صادق علیه السلام - و پس از گذراندن ۷-۸ سال زندگی شبانه‌روزی در دانشگاه مقدس امام صادق (علیه السلام) - کسب کرده نیز هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که این کتاب فراهم آمده چنان سفره پربرکتی است و اصولاً ما حاصل ۷-۸ سال دوره کارشناسی ارشد من در این دانشگاه و رساله پایان‌نامه من است. از باب کریمه «ان شکرتم لازیدنکم و ان کفرتم ان عذاب لی شدید» و نیز حدیث شریف «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل» ذکر نام صاحبان نعمت و اصحاب اکرام و استادان بزرگوار و دلسوزانی که حق حیات معنوی، علمی و حیات معقول به گردن ما دارند و نام مبارک این دانشگاه مقدس موجب افتخار، مباهات، تبرک، مزید نعمت و توفیق است... شکی نیست که این بی‌توجهی همه از سر غفلت و حواس‌پرتی است و گرنه آن عزیزانی که در مقدمه پایان‌نامه‌اش حتی نام تایبست و بازخوان و صحاف انتشاراتی را هم درج و تشکر آبدار می‌کند چطور از ذکر نام استادان و بزرگانی که او را در طول سالیان دراز - که بهترین لحظات عمر ما بوده است در دامن پرمهرشان پروریده - و به مصداق «یا من بدء ذکر و تربیتی و بری و تغذیتی»! - مانند فرزند عزیزتر از جان برای او مایه گذاشته‌اند خودداری می‌کند؟! این حقیر که فکر می‌کنم کسی نبوده به ما بگوید و تذکر و یادآوری نماید، حتی یکی از دوستانم کل حقوق تألیف و ... اثرش را به مبلغ اندکی - که ذکر نمی‌کنم - به مؤسسه‌ای فروخته است! در حالی که تنها حق استاد مشاور و راهنمای چنان رساله‌ای (با صرف نظر از هزینه‌های دوران تحصیل به میلیون‌ها تومان بالغ می‌شود، همه را دانشگاه پرداخته است) چندین برابر آن است و موقعی که یک خواننده ناآشنا کتاب را ملاحظه می‌کند هیچ احتمالی از اندک ارتباطی بین کتاب و دانشگاه امام صادق (علیه السلام) نمی‌یابد! و فلان مؤسسه یا مرکز با پرداخت مبلغ ناچیزی خود را در زمره موسسات علمی و مراکز پژوهشی و تحقیقاتی - با این بی‌لای کارها - نشان می‌دهد!

دریغ از یک جو غیرت‌اسلام بر اصحاب فتوت، مروت، جوانمردی، صداقت و ...

والسلام، نامه تمام، هم حجره‌ای ات!

راهنمای اشتراک

- ۱- بابت یک سال اشتراک مبلغ ۹۰۰۰ ریال به مساب جاری ۱۱۱۶/۴۳ بانک صادرات میدان سعادت آباد تهران (شعبه ۱۸۳۳) به نام پیام صادق واریز نمایید. (قابل پرداخت در کلیه شعبه‌های بانک صادرات سراسر کشور)
 - ۲- نسخه اصلی فیش بانکی را به همراه برگ اشتراک به نشانی نشریه بفرستید.
 - ۳- در صورت تغییر نشانی یا تأخیر در دریافت نشریه با نشریه مکاتبه نمایید.
- نشانی نشریه، تهران، ص پ ۱۵۹-۱۴۶۵۵، نشریه پیام صادق، دورنگار ۸۰۹۳۱۴۸۴

برگه اشتراک

پیام صادق

شماره اشتراک

نام و نام خانوادگی آقای/خانم شغل

نشانی کامل پستی

کد پستی تلفن و پیش شماره صندوق پستی

درخواست اشتراک از شماره مبلغ پرداختی (ریال)